

نیشدارو

"لقمانیه!!"

یک روز در یک مصاحبه مطبوعاتی خبرنگار نیشدارو از لقمان حکیم پرسید: ببخشید جناب لقمان، ممکنه یکبار دیگه بفرمائید که حضرت تعالی اینهمه ادب و اتیکت رو از کی یاد گرفتید؟ فرمودند: از شربت‌های استامینوفن!، بکمپلکس! و اکسپکتورانت!!، چون هرچی خریدم "بی اتیکت" از کار دراومد!!

غمیاد!!

گفت همون روز که نتیجه کنکور اعلام شد اسم تو رو دیدم اما از اسم خودم اثری نبود که نبود... پکر و غصه دار داشتم از حاشیه خیابون میرفتم که یکهو یاد داستان "تیمور لنگ" افتادم که چطور بعد از یک شکست به خرابه‌ای پناه برد و بایدن استقامت مورچه‌ای! تصمیم به جبران شکست گرفت و پیروز شد. به اینجاکه رسیدم شروع کردم به پایئیدن اطراف برای یافتن یه خرابه مورچه دار!!! آخر سر کنج مخروبه‌ای را یافتم، رفتم تو، سیگاری آتش زدم و زل زدم به درو دیوار برای عبرت گرفتن از مورچه!!! اما عوض مورچه یکهو دیدم یه آدم وارفته وارد خرابه شد، اول از دیدن من جا خورد اما یه لحظه بعد سنگی رو پس زد، بسته‌ای رو برداشت و رفت. چند دقیقه‌ای نگذشته بود که دوباره این عمل رو تکرار کرد!! خلاصه کنم ظرف یک ساعتی که من اونجا بیتوته کرده بودم طرف ۱۵-۱۰

دفعه وارد خرابه شد و با یک کارتن که بعداً فهمیدم سیگار وینستونه خارج شد!! در یک لحظه مغزم تکونی!! خورد، یه تکون امیر تیموری!!... انگاری عقلم تازه اومد سر جاش... آره سوکرتم، تو قبول شدی، دکتر شدی، استاد شدی... اینا درست اما اگه تو این وانفسای دم چراغی من نمیرسیدم و سوارت نمیکردم معلوم نبود چند ساعت دیگه باهاس زیر بارون منتظر اتوبوس میموندی.....

رسیده بودم به مقصد... سر کوچه مون... از آقا تیمور همکلاس قدیمی دبیرستانم تشکر کردم، وقتی که داشتم از مرسدس بنز تهران-۲۹ سفید رنگش بیاده میشدم با اصرار یه کارتن مارلبوری طلائی برسم یادگاری زد زیر بغلم...

از سر کوچه تا خونه راه زیادی نبود... اما متوجه شدم که بی اراده دارم دنبال یه خرابه مورچه دار!! میگردد... یه لحظه بعد به خراب شده اجاره‌ای خودم رسیدم... دم در خونه مون بودم... خرابه‌ای که از شانس بد من مورچه نداشت!!!

ساعت خواب!!!

نسخه‌ای را که تصویر مینیاتوری!! آنراذیلا" ملاحظه میفرمائید توسط یکی از همکاران پزشک و احتمالاً" به قصد درمان بیمار ونه درج در -نیشدارو!! به زیور طبع آراسته شده است!!

و توجیه این افزایش بی‌موقع! آمده بود که قدرت خرید یک استاد که در سال ۵۳ معادل ۸۵/۰۰۰ ریال بوده در سال ۶۸ به حدود ۱۳/۷۰۰ ریال رسیده است. کارشناسان اقتصادی نیشدار و طی میزگردی، پی‌آمدهای



خبر مذکور را بررسی و نتیجه را به شرح زیر اعلام نمودند:

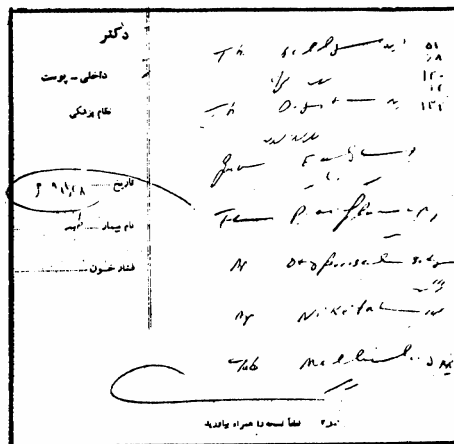
اولاً "با اعلام این خبر دلیل نایاب شدن و بازار سیاه پیدا کردن بلیط‌تورهای جزایر قناری و هاوایی در ماههای اخیر آشکار گردید و معلوم شد که دانشگاهی جماعت تیزگوش!! و عاقبت‌اندیش!! با نشت خبر، هوایی!! شده و به تدارک صرف دریافتی‌های کثیر خود در ماوراء بحار افتاده‌اند!!

ثانیاً: "بدلیل رشد نقدینگی اقشار دانشگاهی و به تبع شور و حال اقتصادی جامعه، تشکیل شرکت‌های مضاربه‌ای آکاد میک!! توسط دانشگاهیان را نباید از نظر دور داشت. حضرات که عمری "سحر" خیز بودند تا بتوانند سروقت به کلاس مربوطه برسند، تلاش خواهند نمود با "الیکا" خیزی!! جبران مافات نموده

لطفاً" قبل از هرگونه اقدامی برای قرائت اقلام نسخه به تاریخ آن توجه کنید ۶۹/۱/۱۸ یعنی محصول امسال است و البته نوبرانه!! . همکار محترم ۱۰ سال پس از اجرای طرح ژنریک اقلام زیر را مرقوم داشته‌اند، البته به دو قلم اول که سهوا!! توسط ایشان ژنریک‌نویسی شده کار نداریم اما سایر اقلام را چنین نوشته‌اند قلم سوم: قطره اوریتون - قلم چهارم شربت پاسی فلورین!!

قلم پنجم: آمپول اکسی‌فریسکوربین سدیک، قلم ششم آمپول نیکتامید و بالاخره قرص ملریل!!

نوشتن هر حاشیه‌ای بر این متن غیر لازم مینماید از اینرو تنها به تذکر یک نکته بسنده میکنیم و آن اینکه هنوز هستند عزیزانی که به سلوک خود در عصر پارینه‌سنگی!! ادامه میدهند و دوره میکنند شب را و روز را، هنوز را.



میزگرد اقتصادی نیشدارو!!

درج خبر سه برابر شدن حقوق دانشگاهیان در جراید اواخر اسفند موجب خوشحالی زایدالوصف تمامی صاحب‌خانه‌هایی شد!! که مستأجر دانشگاهی داشتند. در توضیح خبر

"گامروا" گردند !!

ثالثا: " بازار اتومبیل‌های خارجی مدل ۹۰-۸۹ علی‌الخصوص بنز به شدت داغ !! خواهد شد، چراکه بخشی از نقدینگی متورم !! حدود ده هزار دانشگاهی به این سو سرازیر خواهد گردید .

از قدیم میدانستیم که دانشگاهی جماعت همیشه حسرت داشته‌اند که قبل از سوار شدن ناگزیر بر مرسدسهای بهشت‌زرها، مزه بنزسواری را بچشند !! . بنابراین در راستای تحقق این حسرت به دلی، تقاضا برای بنز سیر صعودی خواهد یافت .

رابعا: " با اعلام این خبر که تعاونی نیشدارو اقدام به توزیع سیب‌زمینی و آناناس !! نموده، جلسه میز گرد مختل و ادامه آن به بعد از توزیع کالاهای نامبرده موکول گردید !!

"تاریخچه کشف Disulfiram و نتایج اخلاقی حاصل از آن"

الف: تاریخچه (به نقل از فارماکولوژی گودمن و گیلمن چاپ هفتم صفحه ۳۸۲)

"در صنعت لاستیک‌سازی دی‌سولفیرام را بعنوان ماده آنتی‌اکسیدان بکار میبردند اما گزارشاتی وجود داشت که کارگرانی که با این ماده سروکار داشتند نسبت به "اتانول" فوق-العاده حساس میگردیدند . از سوی دیگر دو پزشک دانمارکی که بر روی خاصیت "ضد کرم" دی‌سولفیرام مشغول مطالعه بودند پس از آنکه شخصا "مقداری دی‌سولفیرام مصرف نمودند بطور اتفاقی در یک مهمانی کوکتل حضور یافتند و در آن مجلس طبق رسم رایج مقداری نوشابه !! خوردند اما پس از مدت کوتاهی حالشان به شدت بهم خورد و دچار تهوع و استفراغ و . . . شدند . پزشکان مذکور با علم

به گزارشات قبلی، علت امر را مصرف قبلی دی‌سولفیرام دانستند. . . . پیگیریهای بعدی منجر به شناسائی ماده مذکور بعنوان یک درمان مکمل برای گرفتاران الکلیسم مزمن گردید"

ب: نتایج اخلاقی

اولا " یک راه برای کشف داروهای جدیدی از این قبیل !! ناراحتی روده‌ای !! داشتن طرف است .

ثانیا: " بعد از "ته بندی" با "ضد کرم" مذکور، طرف باید در مهمانیهای خاصی شرکت نماید ثالثا: " نوشته‌اند که در چنان مجالسی نوعی نوشابه سرو میشود که اوشینیزه !! آن "ساکي-کولا" !! نام گرفته است . صرف نوشابه‌های عوامانه‌ای !! مثل چای و قهوه !! بخاطر گل روی علم !! در شان چنان محققینی !! نیست، چرا که اگر آن دو پزشک دانمارکی چای خورده بودند لابد هنوز ظلمت جهل !! بر این بخش از فارماکولوژی حکمفرما بود !!

رابعا: " آنگونه که مسطور است از قرار در سالهائی دور در ولایت خودمان هم بوده‌اند کوشندگانی که ویرشان گرفته بود بر دو پزشک دانمارکی فوق الذکر سبقت جویند، اما بدلیل جا نیفتادن صنعت لاستیک‌سازی و در نتیجه عدم استفاده از دی‌سولفیرام بعنوان آنتی-اکسیدان !! تلاشهای آنان از حد شرکت در مجالس آنچنانی فراتر نرفت !!!

امروزه هم که صنعت لاستیک‌سازی پیشرفتهای شایانی نموده، نسل کوشندگان کشف دی-سولفیرام ظاهرا "انقراض یافته !!! بنابراین فعلا "پرونده چنین اکتشافی را مختومه تلقی بفرمائید .

۱- مهمانی کوکتل ظاهرا "نوع خاصی از مهمانی است که در آن کسی چای قند پهلومیل نمیکند !!